

پژوهش‌های ادبی - قرآنی؛ نشریه علمی؛ مقاله علمی پژوهشی  
سال هشتم، شماره اول (بهار ۱۳۹۹)

## سبک‌شناسی زبانی سوره محمد ص بر اساس تحلیل سطوح زبان‌شناختی

جمال طالبی قره قشلاقی<sup>۱</sup>

### چکیده

سبک‌شناسی جایگاه مهمی در کشف ویژگی‌های زبانی آثار ادبی دارد. قرآن به عنوان معجزه جاویدان پیامبر (ص) که کتابی همه‌جانبه است، آکنده از جنبه‌های زبانی و سبک‌شناختی می‌باشد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی زبانی سوره محمد (ص) در چهار سطح آوایی، صرفی، نحوی، واژگانی، و نیز کشف زوایای ادبی آن پرداخته است. مهم‌ترین یافته جستار حاضر این است که بین مضمون آیات سوره محمد (ص) با آواهای به کار رفته در واژگان آن انسجام وجود دارد. آنجا که روی سخن با کفار و جهاد با آنان است، لحن کوبنده غالب است و این امر در نوع آواها و صفات آن‌ها قابل رصد می‌باشد. اما جایی که خداوند با مؤمنان سخن می‌گوید، زبان نرم و ملایمی به کار رفته است. مختوم شدن غالب فواصل به حرف «میم» در این سوره یکی از ویژگی‌های سبکی است که نقش مهمی در استمرار ضرباهنگ سوره ایفا نموده است. همچنین وجود مقطع بلند باز در ۸۶ درصد از فاصله‌های آیات نیز دیگر ویژگی سبکی سوره است که تلفظ آن نسبت به مقطع‌های دیگر از طول زمانی بیشتری برخوردار است، و این مسأله به خلق ضرباهنگی که دایر بر شدت، حدت، خشونت، تشویق به جهاد، و تصویر جنگ مؤمنان و کفار است، کمک نموده است. این انسجام حتی در سطوح نحوی و واژگانی نیز تجلی یافته، و به خاطر همسویی با سیاق کلی سوره و تأثیرگذاری واژگان، برخی ساخت‌های نحوی از استعمال رایج خارج شده، و لهجی خاصی غالب گشته است که این مقوله در فعل «عسیتم» نمود یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، سبک‌شناسی، زبان‌شناسی، سوره محمد (ص)

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه فرهنگیان تهران

jamal\_talebii@yahoo.com

## ۱ - مقدمه

واقعیت این است که نمی‌توان برای پژوهش‌های حوزه علوم قرآنی نقطه پایانی تصور نمود. و کشف زوایای پنهان این کتاب آسمانی همچنان نیازمند تحقیق و پژوهش است. واکاوی قرآن از منظر سبک‌شناسی زبانی یکی از حوزه‌هایی است که می‌تواند اعجاز و زیبایی‌های ظاهری و باطنی آن را آشکار سازد.

مقاله سبک‌شناسی سور قرآن همواره مورد توجه علمای مسلمان بوده و از رهگذر آن آثار ارزشمندی پدید آمده است. سیوطی در کتاب «معتزک الأقران فی إعجاز القرآن» در فصل «فصل فی أنواع مختلف فی عدها من المجاز» و فصل «ائتلاف اللفظ مع اللفظ و ائتلافه مع المعنی» بحث‌های کلی پیرامون سبک سور قرآنی نموده است. پژوهشگران معاصر نیز آثاری در این حوزه خلق کرده‌اند. کتاب «من أسالیب التعبير القرآنی: دراسة لغویة وأسلوبیة فی ضوء النصّ القرآنی» تألیف إسماعیل الزوبعی از جمله آنهاست. نویسنده این کتاب با بهره‌مندی از دیدگاه‌های مفسران و زبان‌شناسان، به بررسی اسلوب‌های سبک‌ساز قرآن و إحصاء موقعیت‌های هر سبک پرداخته است. وی در فصل آخر کتاب خود با عنوان «القیم الصوتیة فی الأسلوب القرآنی» به بررسی نقش ارزش آوایی واژگان در معناشناسی سیاق و زیبایی نظم قرآن پرداخته است (الزوبعی، ۳۹۳-۳۵۳). کتاب «سورة طه دراسة لغویة أسلوبیة مقارنة» نوشته ابرهیم عوض از زبان‌شناسان و پژوهشگران معاصر نیز اثر دیگری است که مسائل زبانی و سبک‌شناختی سوره مبارکه طه را مورد تحلیل قرار داده است.

اما سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا می‌توان زبان قرآن را با استفاده از علم سبک‌شناسی مورد بررسی قرار داد؟ در پاسخ باید اذعان نمود که «قرآن متنی مقدس و قدسی است و نمی‌توان و از ادب شرعی به دور است که درباره‌ی آن همانند سایر کتاب‌ها سخن گفت، یا آن را در معرض پژوهش‌های زبان‌شناسی و مخصوصاً سبک‌شناسی آورد. ولی از سوی دیگر از آنجا که قرآن یک سند عظیم‌الشان زبانی و یک اثر بسیار مهم ادبی است، لذا شاید با قید احتیاط و رعایت احترام جنبه قدسی آن بتوان به ضرورت بحث و تحقیق از این زاویه نگریست و درباره آن بحث کرد» (خرمشاهی، ۱۳۸۹: ج۱/۶). واقعیت این است که اعجاز قرآن از دو جنبه لفظی و معنوی است، و این کتاب آسمانی به عنوان یک متن، آکنده از ویژگی‌های فراسبکی، فرازبانی، فراهنجاری، فرامنطقی و فرا علمی است (دیانتی، ۱۳۷۵: ۱۲۶). لذا علمی که قادر است بخشی از زوایای اعجاز قرآن و نیز مؤلفه‌های فرازبانی و فراسبکی آن را کشف نماید، علم سبک‌شناسی است.

## ۱- ۱- سوالات پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی سبک‌شناسانه سوره محمد(ص) و تحلیل آن بر اساس سطوح زبانی پرداخته، و به دنبال یافتن پاسخی برای پرسش‌های ذیل است:

۱- مهمترین سبک‌های زبانی سوره محمد(ص) در چه سطوحی نمود یافته است؟

۲- مؤلفه‌های سبک‌ساز زبانی چه نقشی در انتقال معنا و مفهوم ایفا می‌کنند؟

## ۱- ۲- پیشینه

در زمینه سبک‌شناسی سوره‌های مختلف قرآن کریم پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است، و هر یک به فراخور حال، سوره‌ای از قرآن را مورد مذاقه قرار داده‌اند. برخی از پژوهش‌های سبک‌شناختی قرآن عبارتند از:

- منیر زیبایی و همکارانش در مقاله «تحلیل کارکرد ساخت‌آوایی سوره محمد(ص) در القای معنا» عناصر آوایی و تناسب میان ساخت‌آوا و معانی این سوره مورد بررسی قرار داده، و به این نتیجه دست یافته‌اند که ریتم به کار رفته در این سوره، سهم بسیاری در تثبیت مضمون آن و رساندن پیام متن دارد. پژوهش حاضر تنها به بررسی فاصله، سجع، جناس و برخی دیگر محسنات بدیعی و ارتباط آن با ضرباهنگ و موسیقی و نقش آن در انتقال معنا پرداخته، و دیگر سطوح سبک‌شناختی زبانی را بررسی نکرده است.

- قاسم مختاری و همکارانش در مقاله «سبک‌شناسی لایه‌ای سوره مبارکه «نبأ» (لایه نحوی، آوایی، واژگانی)» سوره مذکور را مورد تحلیل قرار داده‌اند. مهم‌ترین یافته این پژوهش این است که کوتاهی آیات، غلبه وجه اخباری و صدای منفعل؛ ریتم تند و کوبنده و بسامد بالای حروف مجهور؛ و رمزگان مرتبط با معاد و قیامت مشخصه‌های سبکی سوره است.

- در مقاله سبک‌شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی نوشته پرویز آزادی و سهیلا نیکخواه مؤلفه‌های زبانی سبک‌ساز در سوره واقعه مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفان به این نتیجه رسیده‌اند که سجع، تضاد، تکرار، التفات و... بیشترین کارکرد را در سبک‌سازی دارند.

- علی‌رضا محمدرضایی و سکینه حسینی در پژوهشی با عنوان «دراسة لغویة وأسلوبیة لسورة لقمان» چاپ شده در مجله اللغة العربیة وآدابها به بررسی سبک‌شناختی سوره لقمان پرداخته و به این نتیجه دست یافتند که حروف به کار رفته در سوره در راستای مضمون و فضای حاکم بر سوره بوده است.

## ۲ - نگاه اجمالی به سوره محمد (ص)

سوره محمد (ص) یکی از سوره مدنی است که سی و هشت آیه دارد. اما برخی از مفسران معتقدند آیه (وَكَايِنٍ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلُكِنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ) (محمد: ۱۳) مکی است (زمخشری، ج۳: ۵۲۹). خداوند در این سوره به نام مبارک پیامبر (ص) تصریح نموده است: (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ). (محمد: ۲). این سوره، «القتال» نیز نامیده می‌شود، اما تسمیه آن به «محمد» در بین مفسران از شهرت بیشتری برخوردار است. سید قطب معتقد است محمد (ص) «اسم واقعی سوره بوده، و قتال موضوع بارز آن است. رنگ و بوی سوره، و ریتم آن نیز حکایت از جنگ دارد. این سوره با بیان ماهیت کافران و مؤمنان آغاز شده، و به گونه‌ای ادبی به کافران می‌تازد و خداوند را دشمن این گروه معرفی می‌کند و از مؤمنان تمجید نموده و به این نکته اشاره می‌کند که خداوند دوست مؤمنان است» (قطب، ۱۹۸۱م: ج ۷/ ۳۲۷۹-۳۲۷۸). آیات این سوره از منظر موضوعی به سه موضوع پرداخته است:

ا - از آیه اول تا آیه پانزده پیرامون جنگ بین مؤمنان و کفار

ب - از آیه شانزده تا سی و یک درباره حال منافقان با مؤمنان

ج - از آیه سی و دو تا آخر سوره بحث پیرامون خطر مشرکان و هشدار به مؤمنان در این زمینه.

## ۳ - سبک‌شناسی زبانی سوره محمد (ص)

سبک‌شناسی که معادل لاتین آن Stylistics می‌باشد، عبارت است از «بررسی گزینش‌ها و روش‌های استفاده از زبان‌شناسی، فرازبان و شگردهای شناخت زیبایی‌ها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به کار می‌رود» (فتوحی، ۱۳۹۱ش: ۹۲).

علم سبک‌شناسی و پژوهش‌های سبک‌شناختی به دنبال بررسی رابطه‌ی زبان و سبک ادبی است. از این منظر «سبک‌شناسی، توصیفی از متن ادبی است که بر اساس علم زبان‌شناسی پایه‌گذاری شده است» (المسدی، ۱۹۷۷م: ۴۴). بر همین اساس برخی از صاحب‌نظران سبک‌شناسی را شاخه‌ای از زبان‌شناسی دانسته و عقیده دارند که «سبک‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که ویژگی‌های متنوع زبانی را بررسی می‌کند و در تلاش است قواعدی را برای گزینش‌های ویژه اشخاص یا گروه‌های اجتماعی از زبان فراهم کند» (آزادی و نیکخواه، ۱۳۹۷ش: ۶۸). دانش سبک‌شناسی برای کشف

کارکردهای زبان در آشکار ساختن مقصود گوینده از زبان‌شناسی بهره می‌برد. اگرچه تفاوت‌های اساسی بین این دو علم وجود دارد، ولی رویکرد سبک‌شناسی اساساً بر تأثیری است که زبان در خواننده متن می‌گذارد (ر.ک: رباعه، ۲۰۰۲م: ۷۸). متون ادبی در تحلیل زبان‌شناختی غالباً در چهار سطح آوایی، صرفی، نحوی، و واژگانی مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرند. در پژوهش حاضر نیز ضمن رعایت چهار سطح مذکور، سطح بلاغی نیز بدان افزوده شده است.

#### ۴ - سطوح سبک‌شناسی سوره محمد (ص)

##### ۴ - ۱ - سبک زبانی

زبان نظامی از نشانه‌ها است که همه سطوح آن از جمله آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی برای بیان معنا وضع شده‌اند. لذا برای پرداختن به این مقوله‌ها، سبک‌شناسی زبانی سوره محمد (ص) در چارچوب سطوح چهارگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

##### ۴ - ۱ - ۱ - سطح آوایی<sup>۱</sup>

بررسی سطح آوایی، گام اول برای ورود به دنیای متون ادبی و فهم زوایای زیبایی‌شناختی آن‌ها به شمار می‌رود؛ زیرا آواها کوچکترین واحدهای زبانی هستند که بافت آثار ادبی بر پایه آن‌ها شکل می‌گیرند. بر این اساس، پژوهش‌های ادبی و سبک‌شناختی، اهتمام ویژه‌ای به آواشناسی متون دارند تا معانی حاصل از آواها را بررسی نمایند. واقعیت این است که بخشی از اعجاز قرآن به مقوله آوایی برمی‌گردد، و بسیاری از غیر مسلمانان شیفته آهنگ زیبای آن شده‌اند؛ لذا کشف ویژگی‌هایی آوایی آیات قرآن می‌تواند اعجاز این بخش را برای مخاطبان روشن نماید. آوا اصطلاحاً یک پاره صوتی است که از مجموعه‌ای از مختصات صوتی تشکیل شده و بخشی از زنجیره گفتار را تشکیل می‌دهد و قابل تقطیع به اجزای کوچک‌تر نیست (یارمحمدی، ۱۳۶۴ش: ۹).

سبک‌شناسی آوایی (Phonetic stylistics) از دیدگاه اولمان بین شعر و نثر مشترک است. او معتقد است که آواها هم مثل کلمه و جمله باید در سبک‌شناسی نثر هم منظور شوند. (شمیسا، ۱۳۹۵ش: ۱۴۶). اهمیت سطح آوایی در این است که صوت به کار رفته در یک متن، عواطف و انفعالات درونی نویسنده متن را نشان می‌دهد، و همین انفعال درونی است که به تنوع صوت، مد، غنّه،

لین و... منجر می‌شود (الرافعی، ۱۹۹۷م: ۱۶۹). اگرچه دلالت آواهای حاصل از حروف بر معانی، مقوله مسلمی نیست، اما می‌توان اشارات رمزگونه‌ای در آواها یافت که دل خواننده را برای دریافت معانی مورد نظر آماده می‌کند (ر.ک: مبارک، ۱۹۶۸م: ۲۶۱).

سوره محمد (ص) ۲۳۲۷ حرف دارد که ۱۷۷۸ حرف آن را حروف مجهور، و مابقی را حروف مهموس تشکیل می‌دهند. به اعتقاد نویسنده جستار حاضر، نمی‌توان بسامد بالای حروف مجهور در متن قرآن را مختصه سبک‌شناختی تلقی نمود؛ زیرا «اکثریت آواها در کلام مجهور هستند، و این امری طبیعی است؛ زیرا در غیر این صورت کلام ریتم و ضرباهنگ خود را از دست خواهد داد، و استقراء نشان داده است که نسبت شیوع حروف مهموس در کلام به ندرت از ۲۰٪ فراتر می‌رود. این در حالی است که ۸۰٪ کلام از حروف مجهور تشکیل می‌شود». (أنیس، ۲۰۱۳م: ۲۴). اما دلالت نوع حروف به کار رفته را می‌توان ویژگی سبک‌شناختی تلقی نمود. زیرا «اگر آواهای سازنده یک واژه از حروف جهر و شدت باشد معنای واژه بر قدرت و شدت دلالت دارد، و اگر آواها از حروف رخوه باشند معنای سستی و ضعف را القا خواهند نمود» (مطر، ۱۹۹۸م: ۴۷). ابراهیم أنیس بسامد بالای حروف مجهور در کلام را باعث افزایش ضرباهنگ می‌داند. او معتقد است این حروف از وضوح شنوایی بیشتری برخوردار هستند، و امکان شنیده شدن آن‌ها از فاصله دور نسبت به حروف مهموس بیشتر است (أنیس، بی‌تا: ۹۰). شاید رمز غلبه حروف مجهور در این سوره با توجه به موضوع جهاد، به پژواک بالای حروف مذکور بر می‌گردد؛ زیرا مخاطب سوره کفار هستند، تا طنین قدرت الهی گوش‌های خفته آنان را بنوازد.

حروف	تعداد	نسبت
مجهور	۱۷۷۸	۰/۷۷
مهموس	۵۴۹	۰/۳۳
مجموع	۲۳۲۷	

### بخش اول سوره

همچنان که اشاره شد از آیه اول تا آیه پانزده سوره محمد (ص) به جنگ مؤمنان و کفار اشاره شده است. ماهیت چنین موضوعی، ریتم و آواهای مناسبی را اقتضا می‌کند، لذا از آغازین آیه که مخاطبش کفار هستند، لحن تندى بر فضای سوره حاکم است: (الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلُّ أَعْمَالِهِمْ):

(محمد: ۱) «کسانی که کفر ورزیدند و مردم را از راه خدا باز داشتند، خدا اعمال آنان را تباه خواهد کرد». تهدید مشرکان، نیازمند آواهای واضح و قدرتمندی است، و این امر با تراکم حروف مجهور شدید «لام، دال» و نیز مشدّد بودن هر دو حرف در واژه‌های «صدّوا» و «أضلّ» محقق شده است، که ضرباهنگ تندی به ابتدای سوره بخشیده است. وجود حروف مشدّد علاوه بر خلق ضرباهنگ برجسته، بر معنا نیز مؤثر است؛ زیرا شدّت لفظ، بر قوّت و شدّت معنا دلالت دارد (ابن اثیر، ۱۹۹۹م: ۶۰). در این آیه ۸۷/۷٪ حروف مجهور هستند که از بسامد بالایی برخوردار است.

نکته قابل توجه در سوره محمد (ص) این است که مخاطب خداوند متعال گاهی کفّار و گاهی مؤمنان هستند. آنجا که روی سخن با مؤمنان است، نسبت حروف مجهور و شدید، روند کاهشی به خود گرفته می‌گیرد؛ زیرا بیان حال مؤمنان، آمرزش بدی‌های آنان، و ایمان به پیامبر (ص) و قرآن، ریتم ملایمی طلب می‌کند. لذا در آیه دوّم، چنین کاهشی را احساس می‌کنیم، به گونه‌ای که ۷۶/۵٪ حروف آیه را حروف مجهور تشکیل می‌دهد که در مقایسه با آیه قبل کمتر می‌باشد: (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ). (محمد: ۲) در این نوع ریتم - همچنانکه پیداست - سرعت متن آرام شده، و نوعی آرامش به مخاطب منتقل می‌شود. نکته قابل توجه بسامد بالای حروف رخوه (ذ، ز، ص، ع، ح، ف، ه) است که ۷۲٪ حروف آیه را تشکیل می‌دهد، که در خط موازی و منسجمی با سیاق آیه قرار گرفته است. این در حالی است که تعداد حروف شدید (ب، ت، د، ک، ق) با در نظر گرفتن تکرار، تنها هشت حرف می‌باشد، که ۱۸٪ کلّ حروف آیه را تشکیل می‌دهد. همچنین مدّ حاصل از «واو» در فعل «آمنوا» که دوبار تکرار شده است مشوّق و آرامبخش خوبی برای مؤمنان جهت چشم‌پوشی از خطاهایشان است.

از ابتدای آیه چهارم، بار دیگر ریتم تندی توجه خواننده را به خود جلب می‌کند. «عموماً از این ریتم برای تهدید و توبیخ و یا شدّت در عمل استفاده می‌گردد. استفاده از هم‌خوانهای انفجاری، استفاده زیاد از تشدید، به کارگیری واکه‌های کوتاه، استفاده از هم‌خوانهای سنگین سبب ایجاد چنین ریتمی می‌گردد» (فلاح، ۱۳۹۴ش: ۴۹). خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید: (فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتْتُمُوهُمْ فَسُدُّوا أَلْوَابَكُمْ وَأُولَٰئِكَ فَسَدُّوا فَمَا مَصَافِهِمْ فَأُولَٰئِكَ جِزَاءُ الْكَافِرِينَ). (محمد: ۴). بسامد بالای حروف مجهور در این آیه که چیزی حدود ۷۵٪ است، و نیز تکرار حرف «قاف» و مشدّد بودن حرف «دال» که هر دو جزء آواهای مجهور شدید هستند، ضرباهنگ حماسی بالایی را در

برخورد سخت با کفار به خواننده انتقال می‌دهد، که به بهترین شکل در گردن زدن و به بند کشیدن اسیران کفار تجسم یافته است؛ زیرا از یک سو «شدت و تندی تصاویر، در شدت ضربه‌ها ناشی از واژگان آن جلوه‌گری می‌کند» (قطب، ۱۹۸۱م: ج۷/۳۲۸۰). و از سوی دیگر، صدای همزه که از بسامد نسبتاً بالایی در آیه بالا برخوردار است، در تلفظ، قوت و ظهور بیشتری دارا است و تلفظ آن انرژی عضلانی زیادی می‌خواهد، که با سیاق آیه مذکور انسجام خوبی یافته است. از سوی دیگر صوت حاصل از تلفظ حرف همزه شدید بوده و سیاق آیه را که در تنگنا قرار دادن کفار است، به خوبی تبیین نموده است؛ «زیرا هنگام تلفظ همزه، تارهای صوتی به صورتی قرار می‌گیرند که هوا نمی‌تواند خارج شود؛ لذا هوا در قفسه سینه حبس می‌گردد. این تارها به یکباره جدا می‌شوند و هوا به صورت ناگهانی آزاد می‌گردد» (غضنفری، ۱۳۸۵ش: ۴۹). همچنین تکرار حرف «راء» با صفت تفخیم در (لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرَبَ الرَّقَابَ) (محمد: ۴) که به اعتقاد زبان‌شناسان عرب در بین صامت‌ها از بالاترین میزان جهر برخوردار است (ر.ک: البهنساوی، ۲۰۰۵م: ۶۲) با سیاق کلی سوره که رنگ و بوی قتل کفار را دارد، متناسب است که وحشت را بر دل کفار می‌اندازد.

در آیات ۵-۷ سوره: (سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِالْهَمِّ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَافًا لَهُمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) (محمد: ۵-۷) بسامد حروف رخوه (ث، ح، خ، ذ، س، ص، ع، ف، ه) از جمله «هاء» و مقایسه با حروف شدید (د، ب، ج، ت، م، ق، ک) که ۶۲٪ حروف را تشکیل می‌دهد، زیاد است، که با توجه به مفهوم آیه که هدایت مؤمنان، وعده بهشت و نصرت الهی است، انسجام حروف با معانی مشهود است؛ زیرا خطاب مؤمنان و وعده بهشت به آنان مستلزم گفتار نرم است، و این امر در حروف رخوه ظاهر گشته است. از سوی دیگر تکرار چندین باره حرف «صاد» که دارای صفت تفخیم و استعلاء و صغیر است (عبدالقادر الفاخری، بی‌تا: ۷۹) اعلان آشکار الهی برای نصرت مؤمنان را القا نموده، و فضای روانی آرامی را بر آیه حاکم نموده است.

از آیه ۸-۱۰ بار دیگر ریتم تندی بر فضای سوره حاکم می‌شود. (وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأُضِلُّ أَعْمَالُهُمْ... فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ... دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ) (محمد: ۸-۱۰) به گونه‌ای که نزدیک به ۷۹٪ حروف را مجهور تشکیل می‌دهد. این فضا را می‌توان از آواهای به کار رفته در واژه‌های (تَعَسَا، أَحْبَطَ و دَمَّرَ) دریافت نمود. حرف «عین» در «تَعَسَا» جزء حروف احتکاک و دارای صفت جهر بوده و «در به تصویر کشیدن حرکت‌ها و صداهای خشن و شدید ارزش بیانی واضح و روشنی دارد» (العبد، ۱۹۸۹م: ۷۹). از



سوی دیگر حرف همزه نیز ۸ بار تکرار شده است که با غرض آیات که تهدید مشرکان است همسویی دارد، و چنین موضوعی به حروف قوی و بارزی نیاز دارد. مشدد بودن واژه «دمر» نیز همچون پتکی بر سر کفار فرود آمده است که چیزی از آنان باقی نخواهد گذاشت.

از آیه ۱۱ تا ۱۵ به مقایسه حال مؤمنان با کفار پرداخته شده است: (ذَلِكْ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۱) إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (۱۲) وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَمْ لَكُنَّاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (۱۳) أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۴) مِثْلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (۱۵)

تحلیل آماری میانگین نوع حروف نشان می‌دهد که حدود ۷۶٪ درصد حروف آیات بالا مجهور بوده، و مابقی را حروف مهموس تشکیل می‌دهد. بسامد بالای سه حرف لام، نون، راء در این آیات، چشم‌نواز است؛ زیرا این حروف دارای ویژگی‌های آوایی خاصی از جمله جهر هستند. نکته قابل تأمل این است که هر جا خداوند از مؤمنان سخن به میان آورده است بسامد حروف رخوه بیشتر است، همچون آیه پانزده که حروف رخوه (ث، ح، خ، ذ، ز، س، ش، ص، ظ، ع، غ، ف، ه) با در نظر گرفتن حروف تکراری ۳۱ حرف در مقابل ۱۹ حرف شدید قرار دارد. و اگر طول آیاتی را که مخاطبش مؤمنان هستند با طول آیاتی که مخاطبش کفار هستند، مقایسه کنیم، می‌بینیم که بخش مربوط به مؤمنان طولانی‌تر است، و این در بسامد حروف رخوه تجلی یافته است:

نسبت	تعداد	آواها
۴۳/۹	۳۶۱	شدیده
۵۶/۱	۴۶۱	رخوه
	۸۲۲	مجموع

آنچه از نظر آوایی در این بخش از سوره مختصه زبانی و سبکی به حساب می‌آید در آیه پایانی نهفته است که مَدّ ناشی از حرف «الف» در واژه «أنهار» که چهار بار تکرار شده است، و همنشینی آن در زنجیره آوایی حاصل از واژگان «ماء، لبن، عسل و خمر» می‌تواند استمرار نعمت‌های الهی را القا

نماید. افزون بر آن، سه حرف «سین، شین، صاد» در (وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمَرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى) (محمد: ۱۵) علاوه بر مهموس و رخوه بودن، و اشتغال بر صفت صغیر، آرامش لذت خمر بهشتی بر وجود مؤمنان را ترسیم کرده است؛ زیرا صفت همس در طبیعت خویش نماد نرمی و آرامش است. به طور کلی قرآن در آیاتی که از نعمت‌های الهی بر بندگان سخن به میان می‌آورد غالباً از واژگانی با آواهای رخوه و مهموس بهره گرفته است تا فضایی آرام و دلنشینی را ترسیم نماید (عبدالعالی، ۲۰۱۰م: ۲۱۷).

### بخش دوم سوره

از آیه شانزده تا سی و یک درباره حال منافقان با مؤمنان سخن به میان آمده است. بسامد حروف مجهور و مهموس در بخش دوم سوره به شرح جدول زیر است:

حروف	تعداد	نسبت
مجهور	۶۷۸	۰/۷۵
مهموس	۲۲۶	۰/۲۵
مجموع	۹۰۴	

در آیه شانزده خداوند می‌فرماید بر دل‌های کفار به خاطر تمسخر پیامبر (ص) مهر قهر نهاده است: (أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ) (محمد: ۱۶) لذا می‌بینیم همنشینی حروف شدید از جمله «ط»، «ب، ق» در آیه به خاطر داشتن صفات جهر، شدت مهر نهادن بر دل‌های منافقان را نشان داده است. در آیه هفده (وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ) (محمد: ۱۷) که درباره حال مؤمنان است، بسامد حروف مهموس نسبت به مجهور بیشتر است، که در حرف «هـ» با دارا بودن صفات ضعیف همس، رخوه، انفتاح و استغفال تجلی یافته است. ویژگی این حرف آرامشی است که در هدایت نهفته است، و مدّ موجود در حرف «الف» در واقع مدّ و استمرار تقوا و هدایت الهی را نشان می‌دهد (ر.ک: عبدالرحمن، ۱۴۲۷ه: ۱۰).

در دو آیه بیست و سوم و چهارم نیز خطاب تندی متوجه کفار است: (أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) (محمد: ۲۳-۲۲) لذا می‌بینیم حروف مجهور در آن از بسامد بالایی برخوردار است و شدت خطاب در واژه‌های «لعن و أعمی»

تجلی یافته است که مشتمل بر حرف مجهور «عین» هستند؛ زیرا «عین» در تصویر برخورد تند از ارزش بیانی بالایی برخوردار است» (سید سلیمان، ۱۹۸۹م: ۷۹). همچنین تکرار چندباره حرف «قاف» در «قلوب أفعالها» که جزء حروف شدید است حاکی از شدت فقل بر دل‌های کفار است. تقریباً همه واژگان این دو آیه در آغازشان حرف همزه آمده است که صدایی مجهور دارد و به سختی تلفظ می‌شود، تیزی و سنگینی مخصوص همزه از بسته شدن کامل تارهای صوتی و حبس تام هوا در پشت آن‌ها و سپس باز شدن آن با شدت و به صورت ناگهانی است (شاهین، ۱۹۸۰م: ۲۸). صوت حاصل از همزه در این آیات که از وضوح و برجستگی آوایی خاصی برخوردار است، در ایجاد فضای تهدید و تویخ کفار نقش مهمی ایفا نموده است.

در آیات پایانی این بخش که خداوند درباره سرنوشت کفار سخن می‌گوید باز هم بسامد حروف مجهور شدید بالاست؛ زیرا مضمون این آیات تهدید کافران و ترساندن آنان است که سرنوشت بسیار سختی در انتظارشان است. (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْغَانَهُمْ) (محمد: ۲۸) در جملاتی مانند «أحبط أعمالهم»، «لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَصْغَانَهُمْ» حروف مجهور بسامد بسیار بالایی دارند. ظرافت زبانی در این آیه در کلمه «أسخط» نهفته است که بر واژه «عَضِبَ» ترجیح داده شده است؛ زیرا حرف «طاء» از حروف استعلاء می‌باشد و در هنگام تلفظ انتهای زبان به طرف سخت‌کام بالا می‌رود و صدای شدیدی حاصل می‌شود که در «غضب» نیست، فلذا می‌بینیم که هرچه کفار خداوند را بیشتر به خشم بیاورند پاسخ سختی هم در انتظارشان خواهد بود و این امر در فعل «أحبط» متجلی شده است که مشتمل بر همان حرف «طاء» می‌باشد.

### بخش سوم سوره

از آیه سی و دو تا آخر سوره بحث پیرامون خطر مشرکان و هشدار به مؤمنان در این زمینه است: (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ ۚ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِبِّطُ أَعْمَالَهُمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ) (محمد: ۳۸-۳۲).

حروف	تعداد	نسبت
مجهور	۳۷۰	٪۷۸/۷
مهموس	۱۰۰	٪۲۱/۳
مجموع	۴۷۰	

در عبارت «شاقوا الرسول» صدای «شین» که صفت تفضی (انتشار و پخش شدن) وجود دارد، و آمدن «الف» مد پس از آن بر دلالت معنایی آن افزوده، و آنگاه به حرف «قاف» رسیده است که تجمع دو صفت جهر و شدت تلفظ آن را آشکارتر می‌کند، و مشدّد بودنش علاوه بر زیادت معنا، به دلیل صفت استعلاء و سنگینی تلفظ اثر شدیدی بر گوش شنونده دارد و در درونش قوت، خشونت و سنگینی را حمل می‌کند (داود، ۱۴۲۳: ۷۶). در عبارت (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ) (محمد: ۳۳) تکرار «اطيعوا» و به تبع آن تکرار حرف «طاء» که به خاطر مجهور بودن، و اشتغال بر صفت شدت، جزء قوی‌ترین حروف است (قیسی، ۱۳۹۳: ۱۷۲) بر لزوم اطاعت از خدا و پیامبر تأکید می‌کند.

### تحلیل هجاهای<sup>۱</sup> سوره محمد (ص)

یکی از مباحثی که در سبک‌شناسی سوره‌های قرآنی باید بدان توجه نمود، بررسی هجاهای آوایی است. هجا به قسمتی از واژه یا مجموعه‌ای از آواها اطلاق می‌شود که با یک دم زدن بی‌فاصله و بدون قطع ادا می‌شود؛ به عبارت دیگر، هجا یک مجموعه آوایی است که با صامت آغاز شده و به دنبال آن مصوت آمده و تا پایان کلمه ادامه می‌یابد که گاه به مصوت ختم می‌شود مثل «کَتَبَ» و گاه به صامت «کَتَبَ» (انیس، ۲۰۱۳: ۱۵۰). به طور کلی پنج نوع هجا در زبان عربی وجود دارد:

- ۱ - هجای کوتاه: «ص ح» (صامت + حرکت کوتاه)
- ۲ - هجای متوسط باز: «ص ح ح» (صامت + حرکت بلند)
- ۳ - هجای متوسط بسته: «ص ح ص» (صامت + حرکت کوتاه + صامت)
- ۴ - هجای بلند بسته: «ص ح ح ص» (صامت + حرکت بلند + صامت)
- ۵ - هجای بلند مزدوج بسته: «ص ح ص ص» (صامت + حرکت بلند + صامت + صامت) (ر.ک: شاهین، ۱۹۸۰م: ۳۸-۴۰).

واقعیت این است که هجاها، بسته به نوعی که دارند هم در داخل متن، و هم در داخل جمله و واژه، معنای خاصی را افاده می‌کنند.

### بسامد مقاطع آوایی

میانگین	تعداد	مقطع
۴۳/۶	۶۶۸	کوتاه باز
۳۵/۹	۵۵۱	بلند بسته
۳۰/۵	۳۱۳	بلند باز
	۱۵۳۲	جمع

آنچه از تحلیل بسامد هجاهای آوایی این سوره به دست می‌آید کثرت معنادار مقطع کوتاه است که با توجه به موضوع سوره که پیکار با مشرکان است، از ضرباهنگ تندی برخوردار است. به عنوان مثال در آیه «فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْبَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدَ وَإِنَّمَا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَأُنْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّبِنَالٍ لِّبَعْضِكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد: ۴) ۵۰ مقطع کوتاه، ۳۵ مقطع بلند بسته، و ۲۵ مقطع بلند باز وجود دارد. در آیه «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّىٰ أَبْصَارَهُمْ» (همان: ۲۳) نیز ۱۴ مقطع کوتاه، ۷ مقطع بلند بسته، و ۵ مقطع بلند باز به کار رفته است.

سوره محمد (ص) از نظر هجا و آواها به کار رفته در آن سه ویژگی عمده زبانی دارد: اولین ویژگی سبکی سوره که جلوه خاصی نیز بدان بخشیده است هماهنگی آوایی هجاهای پایانی واژه‌ها در انتهای آیات آن است. به گونه‌ای که سه هجای پایانی فاصله‌های ۲۸ آیه از ۳۸ آیه سوره به هجای بلند باز / هجای کوتاه / هجای بلند بسته با علائم اختصاری (ص ح / ح / ص ح / ص ح) ختم شده است، و این امر در واژه‌های (أَعْمَالَهُمْ، بِالْهَمِّ، أَمْثَالَهُمْ، أَعْمَالَهُمْ، بِالْهَمِّ، عَرَفْنَا لَهُمْ، أَقْدَامَكُمْ، أَعْمَالَهُمْ، أَعْمَالَهُمْ، أَهْوَاءَهُمْ، أَعْمَاءَهُمْ، أَهْوَاءَهُمْ، أُولَىٰ لَهُمْ، أَرْحَامَكُمْ، أَبْصَارَهُمْ، أَمَلَىٰ لَهُمْ، إِسْرَارَهُمْ، أَدْبَارَهُمْ، أَعْمَالَهُمْ، أَضْغَانَهُمْ، أَعْمَالَكُمْ، أَخْبَارَكُمْ، أَعْمَالَهُمْ، أَعْمَالَكُمْ، اللَّهُ لَهُمْ، أَعْمَالَكُمْ، أَمْوَالَكُمْ، أَضْغَانَكُمْ، أَعْمَالَكُمْ) نمود یافته است. ویژگی دوم زبانی هجاهای سوره محمد (ص) مختوم شدن همه فواصل به حرف «میم» است، و این مسأله نقش مهمی در استمرار ضرباهنگ سوره ایفا نموده است. ویژگی سوم

زبانی سوره محمد (ص) وجود هجای بلند باز در ۸۶ درصد از فاصله‌های آیات است که تلفظ آن نسبت به هجاهای دیگر از طول زمانی بیشتری برخوردار است، و این مسأله به خلق ضرباهنگی که دایر بر شدت، حلاّت، خشونت، تشویق به جهاد، و تصویر جنگ مؤمنان و کفار است، کمک می‌کند؛ زیرا مفهوم سوره پیرامون جنگ با کفار و شرح اوصاف آنان است، و طبیعی است که در آیات آن هجاهای مناسب با این مفهوم به کار رفته باشد.

#### ۴-۱-۲- سطح صرفی<sup>۱</sup>

اهمیت تحلیل واژگان سور قرآنی از منظر علم صرف کمتر از سطوح آوایی، معناشناختی، و واژگانی ... نیست. در تحلیل سطح صرفی واژگان، به ساختارهای صرفی صیغ و میزان انسجام آن با سیاق، و نیز نقش بیانی آن پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱-۲-۱. کثرت جمع‌های تکسیر

یکی از ویژگی‌های زبانی بارز در سوره محمد (ص) بسامد بالای جمع‌های مکسری است که هم‌وزن با کلمه «أفعال» هستند. واژه‌های «أعمال (۹ بار)، أمثال (۳ بار)، أقدام و أهواء (هر کدام ۲ بار)، أمعاء، أرحام، أبصار، أفعال، أذبار، أضغان، أخبار، أموال، أوزار، أنهار، أشراف (هر کدام ۱ بار) در این سوره تکرار شده‌اند. با توجه به اشتغال واژگان فوق بر الف مدّ، و قرار گرفتن در انتهای آیات، ضرباهنگ موزونی بر آیات بخشیده است. زبان‌شناسان بر این عقیده هستند که حرف مدّ «الف» به خاطر داشتن ضرباهنگ موسیقایی از تأثیرگذاری روحی و روانی بیشتری در مقایسه با صامت‌ها برخوردار است (هنداوی، ۲۰۰۳م: ۱۳۷).

#### ۴-۱-۲-۲. افعال

از بررسی افعال به کار رفته در سوره محمد (ص) مشخص گردید که یکصد و پنجاه و یک فعل در آن وجود دارد. از این تعداد، هفتاد و هشت (۵۱/۶٪) فعل ثلاثی مجرد، و هفتاد و سه (۴۸/۴٪) فعل مزید است. نه فعل به صورت مجهول و یکصد و چهل و دو فعل به صورت معلوم می‌باشد. هشتاد و شش (۵۷٪) فعل از این افعال ماضی، و شصت و یک (۴۰٪) فعل مضارع، و چهار فعل نیز امر می‌باشد. یکصد و هفت (۷۱٪) فعل غائب، سی و چهار (۲۲٪) فعل مخاطب، و ده (۷٪) فعل متکلم نیز در سوره وجود دارد.

نکته قابل تأمل در تحلیل افعال سوره محمد این است که قرآن آنگاه که از جهاد با کفار و مقایسه حال مؤمنان با منافقان بحث می‌کند، افعال را به شکل ماضی به کار برده است که حکایت کارهای گذشته است. اما جایی که خطر مشرکان را گوشزد می‌کند، به ویژه در هشت آیه پایانی، اکثریت قریب به اتفاق افعال به صورت مضارع و یا در معنای مضارع استعمال گشته است که حاکی از صدق پیشگویی قرآن درباره آینده کفار و منافقین است. نکته دوّم اینکه مخاطب افعال امر نیز مؤمنان است. گویی کفار گوش شنوایی برای عمل به فرامین الهی ندارند، فلذا فعل امری درباره آنان به کار نرفته است. دیگر ویژگی زبانی سوره محمد (ص) که بسامد بالایی دارد، وجود افعال هم‌وزن با «أفعل» می‌باشد. واژگانی همچون «أضَلَّ، أَحْبَطَ، أَهْلَكَ، أَصَمَّ، أَعْمَى، أَمَلَى، أَسْخَطَ» که برخی از آنها چندین بار تکرار شده‌اند. نکته قابل تأمل در واژگان مذکور این است که فاعل نحوی غالب آن‌ها «الله» است، و با توجه به موضوع کلی سوره که جنگ کفار و مؤمنان است، و شروع همه آن‌ها با همزه که صوت مجهور شدید است، قدرت خداوند بر مجازات کفار را به خوبی ترسیم نموده است.

#### ۴- ۱- ۲- ۳. افعال مضاعف

یکی دیگر از سبک‌های زبان‌شناختی در سوره محمد (ص) کاربرد افعال مضاعف می‌باشد. یازده فعل مضاعف در لابلای آیات این سوره در اشکال مجرد و مزید به کار رفته است که عبارتند از: «صَدَّوْا، أَضَلُّ، شُدُّوْا، يُضِلُّ، أَضَلَّ، أَصَمَّ، ارْتَدُّوْا، صَدَّوْا، شَاقُّوْا، يَضْرُبُوْا، صَدَّوْا». در این میان، فعل «صَدَّوْا» (۳ بار)، «أضَلَّ» (۳ بار) و بقیه افعال هر کدام یکبار به کار رفته‌اند. واقعیت این است که تضعیف عین‌الفعل در هر یک از افعال بالا برای نشان دادن معنایی به کار رفته‌اند که دیگر افعال نمی‌توانند آن نقش را ایفا نمایند. به عنوان مثال در آیه (الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ) (محمد: ۱) فعل «صد» که از مصدر «صدَّوْا» است از منظر لغوی دایر بر این است که کفار خودشان به خداوند ایمان نیاوردند، و از طرف دیگر از ایمان آوردن دیگران جلوگیری و ممانعت به عمل آوردند. (رک: طباطبایی، ج ۱۸: ۳۳۶). لذا به نظر می‌رسد معانی مذکور در واژه «أعرض» که مترادف با «صد» است وجود ندارد؛ زیرا «أعرض» فقط به معنای روی گرداندن است، و ممانعت از ایمان دیگران در معنای واژه ذکر نشده است. همچنین در فعل «ارتدَّوْا» تضعیف عین‌الفعل برای بازگشت‌های مکرر است که این مفهوم در فعل «رجع» که به نوعی مترادف آن است، وجود ندارد.

## ۴-۱-۲-۴. اسم‌ها و ترکیب‌ها

در سوره محمد (ص) ۴۵۴ اسم و ترکیب اسمی به کار رفته است که حدود ۷ درصد آن را اسم‌های مشتق و ۹۳ درصد آن را اسم‌های جامد تشکیل می‌دهند. از آنجا که خطاب کلی سوره، مؤمنان و کافران هستند بیش از ۵۰ درصد اسم‌های مشتق را اسم‌های فاعل به ویژه دو کلمه مؤمن و کافر و اوصاف آندو تشکیل می‌دهد. در ارتباط با اسم‌های جامد نیز بسامد غالب از آن جمع‌های مکسر است که حدود ۱۰ درصد کل اسم‌های سوره را به خود اختصاص داده و غالباً در فواصل آیات ذکر شده است. البته باید اذعان کنیم که حضور هیچکدام از ساختارهای مورد اشاره را نمی‌توان از منظر زبانی مؤلفه‌ی سبک‌ساز تلقی نمود. اما یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد سوره محمد از منظر اسم و ترکیب‌های اسمی تکرار اسم موصول «الذین» در آن است؛ به گونه‌ای که از ۳۸ آیه سوره، ۲۰ آیه مشتمل بر این موصول است که ۲۴ بار در کل سوره تکرار شده است. به نظر می‌رسد کارکرد اساسی تکرار «الذین» از منظر بلاغی این است که خداوند می‌خواهد ذهن خواننده را به صله موصول معطوف نماید. بدین معنا که وقتی از مؤمنان صحبت می‌کند مخاطب منتظر این است که خداوند بعد از ذکر موصول چه صفاتی را به مؤمنان نسبت می‌دهد. این امر در ارتباط با کافران نیز مصداق دارد.

۴-۱-۳- سطح نحوی<sup>۱</sup>

امروزه بررسی سطح نحوی جملات در داخل متن ادبی از اهمیت فراوانی در زبان‌شناسی جدید برخوردار است؛ زیرا زبان تنها واژگان محض نیست، بلکه بین واژگان، مجموعه‌ای از روابط زنده حاکم است که به واسطه علم نحو (دستور زبان) کشف می‌گردند. اینکه بین دو علم نحو و سبک‌شناسی چه رابطه‌ای وجود دارد، باید آن را در اندیشه عبدالقاهر جرجانی جست که ضمن تأیید این رابطه، معتقد است «سبک نوعی نظم و نحوه چیدمان کلمات است» (جرجانی، ۱۳۶۸: ۳۶۱) لذا از مخاطبان خود عمل بدان را خواسته و می‌گوید: «کلام خود را بر اساس اقتضای علم نحو قرار بده، و بر اساس اصول و قوانین آن عمل کن» (همان: ۳۶۲). به عقیده پژوهشگران «نحو منظم، مولود ذهن نظام‌مند است. ساخت اندیشه با نحو پیوند آشکارتری دارد تا با واژه. کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله‌ها، نوع جمله‌ها، کیفیات وجه و زمان همگی بیانگر نوع اندیشه‌اند؛ بنابراین کیفیات روحی و ذهنیات پنهان گوینده در عناصر نحوی بیشتر خودنمایی می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۷).



در آیه (فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْبَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ) (محمد: ۴) دو ویژگی سبک‌شناختی قابل توجه از نظر دستوری وجود دارد. اول اینکه به جای «اضربوا الرِّقَاب» ترکیب مصدر نائب از فعل (مفعول مطلق) با مضاف‌الیه به کار رفته است، و این امر باعث تأکید بیشتر کلام و اختصار در آن شده است. دوم اینکه شدت و مقابله سخت با کفار در «ضرب الرِّقَاب» بهتر و بیشتر از واژه‌ی قتل و مترادفات آن وجود دارد؛ زیرا تصویر قتل دشمنان را به سخت‌ترین شکل نشان داده است.

در آیه (فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صدَّقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ) (محمد: ۲۱) نیز آنچه از نظر سبک‌شناختی نحوی قابل تأمل می‌باشد، این است که جواب شرط خودش به صورت جمله شرطیه آمده است. آنچه از ظاهر آیه به نظر می‌رسد جواب شرط عبارت «فلو صدَّقُوا اللَّهَ» است، و نیز گفته می‌شود جواب شرط محذوف بوده و تقدیر آن «فاقضُوا أو کرهوا» است (عضیمه، ج ۱: ۲۰۲).

مسئله دیگری که از نظر نحوی و معناشناختی در سوره محمد (ص) حائز اهمیت است تکرار ضمیر «هم» در فواصل آیات است. به گونه‌ای که فاصله بیست و شش آیه از سی و هشت آیه این سوره به ضمیر «هم» ختم شده است که حدود ۶۸٪ را به خود اختصاص داده است. قرار گرفتن ضمیر «هم» به عنوان فاصله در قرآن کریم پدیده‌ای نادری است فلذا از منظر سبک‌شناختی مهم است. به طور کلی در قرآن ۶۲۳۶ فاصله وجود دارد که از این تعداد فقط ۳۰ بار ضمیر «هم» به عنوان فاصله آمده است که ۲۶ مورد آن مربوط به سوره محمد (ص) است که نزدیک به ۹۰٪ است و مرجع همه‌ی آن‌ها کفار می‌باشد.

#### ۴ - ۱ - ۴ - سطح واژگانی<sup>۱</sup>

در سطح واژگانی، نحوه گزینش واژگان، ساده یا مرکب بودن آن‌ها، کهن‌گرایی، بسامد واژگان و نوع گزینش واژگان با توجه به محور جانشینی مورد بررسی قرار می‌گیرد (محمود خلیل، ۲۰۱۰م: ۱۶۶-۱۶۵).

بسیاری از واژگان سوره محمد (ص) با احتساب تکرار به دو مقوله کفر و ایمان و مترادفات این دو از جمله حق و باطل و ... تعلق دارند. فیروزآبادی تعداد واژگان این سوره را ۵۳۹ واژه بر شمرده است (الفیروزآبادی، ج۱: ۴۳۰) که بر این اساس ۳۲ واژه که حدود ۶٪ واژگان را تشکیل می‌دهند، در ارتباط با کفر و ایمان هستند. واژگان مربوط به جنگ و جهاد و مترادفات آن ۲۴ واژه می‌باشد که

حدود ۴/۵٪ را تشکیل می‌دهد. لذا بر اساس تحلیل آماری می‌توان نتیجه گرفت که بیش از ۱۰٪ واژگان کلیدی (نه همه واژگان) سوره محمد (ص) هم‌راستا با هدف کلی سوره که جنگ بین مؤمنان و کفار است، می‌باشد.

از منظر محور جانشینی واژگان، الفاظی در این سوره به کار رفته است که واژگان دیگر امکان جایگزینی آن‌ها را ندارند. فعل «أُتختموهم» یکی از این واژگان است که مراد از آن در لغت غلبه است، و مراد از آن در آیه خسته کردن دشمن به واسطه زخم زدن زیاد به او است. چه زخم زدن حسّی و چه زخم زدن معنوی (ر.ک: ابن منظور، لاتا: ریشه ثخن). و برای اینکه تعبیر قرآنی در قتل و تحقیر کافران کامل شود، تصویر دیگری را آورده است تا حجم بار روی دوش مغلوبان (کفار) را نشان دهد «حتّی تضع الحرب أوزارها» که هم می‌توان آن را حمل بر مجاز عقلی و یا استعاره مکنیه نمود که هر کدام زیبایی‌های خاص خود را دارد. بر اساس محور جانشینی اگر واژه‌ای به جز «أُتختموهم» در این آیه قرار می‌گرفت به نظر می‌رسد مفهوم نهفته در این واژه را نمی‌رساند.

شاهد دیگر «فَضْرِبِ الرِّقَابَ» است که مراد از آن قتل و کشتن منافقان و مترادف با فعل امر «اضربوا» می‌باشد. ولی تعبیر قرآنی بسیار بلیغ‌تر است. زیرا علاوه بر بلاغت، معنای ذلت و خواری نیز در آن نهفته است. از سوی دیگر «ضرب الرقاب» حاکی از شجاعت ضارب و قدرت زیاد در برابر کفار است.

واژگان محوری زیادی در این سوره وجود دارد که به خاطر بار معنایی، و نیز قدرت تأثیرگذاری‌شان به هیچ وجه نمی‌توان جانشینی برایشان تصوّر نمود. از جمله واژه‌های «أمعاءهم، أشراطها و أفعالها» در آیات ۱۴، ۱۸، ۲۴ است که به خاطر واقع شدن در فواصل آیات و اشتغال بر ضرباهنگ یکسان با فواصل آیات دیگر امکان جانشینی با واژگان مترادف و یا حتّی با واژگان همجنس با وزن دیگری را ندارند. قرآن حتّی به خاطر جایگاه خاص واژگان در موقعیت‌های مختلف، لهجات مختلفی را به کار برده است. از جمله فعل قلبی «عسیتم» در آیه ذیل که لهجه اهل حجاز (علوش و دیگران، ۲۰۱۵م: ۳۰۷) در آن آمده است (فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ) (محمد: ۲۲).

## ۵ - سطح بلاغی

در سطح ادبی آنچه مورد توجه پژوهشگر سبک‌شناس قرار می‌گیرد برجستگی‌های ادبی و عوامل مؤثر بر زیبایی متن همچون محسنات بدیعی، صور بیانی، تشبیه، استعاره، رمز و ... است.

## ۵ - ۱ - تقابل معانی

یکی از مؤلفه‌های سبک‌ساز بلاغی در سوره محمد (ص) که به شکل هنرمندانه‌ای برجسته شده است، تقابل‌های معنایی است. باید توجه کرد که مراد از تقابل معانی در این سوره، تضاد و طباق نیست، بلکه مفهومی فراتر از آن دارد. به اعتقاد صاحب‌نظران «تقابل معنایی از تضاد لغوی بین واژگان فراتر رفته، و وارد سطح گسترده‌ای از ناسازواری هنری می‌شود که در آن تناقض بین موقعیت‌ها، افکار و حوادث می‌شود» (عثمان، ۱۴۰۲: ۲۱۳). تقابل معانی از همان آیه اول سوره (الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ) (محمد: ۱) تجلی یافته است؛ به گونه‌ای که بعد از بیان حال کافران و ترسیم سرنوشت آنان، در آیه دوم حال مؤمنان و مال نیک آن ذکر شده است: (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ). (محمد: ۲). در این دو آیه علاوه بر ذکر برخی اوصاف مؤمنان و کافران بین «صدوا» و «وآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا» تقابل معنوی برقرار شده است. سید قطب نیز آیه دوم سوره را از منظر معنوی در تقابل با آیه اول قلمداد نموده است. (قطب، ۱۹۸۱: ج۶: ۳۲۸۱). بلاغت تقابل در این دو آیه از جهات مختلفی تجلی یافته است: مدح مؤمنان در تقابل با ذم کافران، و ایمان آنان در تقابل با کفر اینان، و اقبال اهل ایمان در تقابل با روی گرداندن اهل کفر، تکفیر گناهان مؤمنان در تقابل با اضلال ابطال کافران.

در آیه سوم سوره محمد (ص) نیز تقابل معانی نمود چشمگیری دارد. (ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ) (محمد: ۳). البته باید به این نکته اشاره کرد که تقابل معانی در این آیه، امتداد تقابل معانی در آیات اول و دوم است، و این امر از واژه «ذلك» و حرف باء سببیه در «بأن» در آغاز آیه استنباط می‌شود. به گونه‌ای که پیروی کافران از باطل در تقابل با پیروی مؤمنان از حق قرار داده شده است. در این میان، عبارت «من ربهم» نقش مهمی در این تقابل ایفا نموده است؛ زیرا مؤمنان از روی بصیرت و آگاهی راه فرمانبرداری از پروردگارشان را برگزیده‌اند که به همه چیز آگاه است. پس آنان مطیع امر خالق خویش هستند، برخلاف کافران که از باطل پیروی نمودند، و گمراه شده و دیگران را نیز گمراه نمودند.

آیات هفتم و هشتم سوره محمد (ص) نیز مشتمل بر تقابل معانی هستند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُخْرِجْ أَعْمَالَكُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ) (محمد: ۷-۸). در آیه هفتم خداوند مؤمنان را تشویق به یاری خداوند می‌کند، و در آیه بعدی خفت و خواری و ابطال اعمال

آنان را گوشزد می‌کند. در این دو آیه عبارت «يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» در تقابل با «تَعَسَّأْ لَهُمْ» است؛ زیرا خواری و شکست در تقابل با پیروزی و ثابت قدم نمودن است (قطب، ۱۹۸۱: ج ۶ ۳۲۸۹). به طور کلی تقابل‌های معنوی در آیات سوره محمد (ص) در راستای مفهوم کلی سوره است تا خطوط متمایز کننده جبهه مؤمنان و کفار را برای خواننده نشان دهد. تقابل‌های معنوی متعددی در سوره محمد وجود دارد که فراتر از تعداد انگشتان دو دست است، اما به خاطر پرهیز از اطاله کلام از پرداختن بدانها چشم‌پوشی می‌کنیم.

## ۵ - ۲ - التفات

در آیات بیست و یک و بیست و دو صنعت التفات به کار رفته است که از منظر بلاغی حائز اهمیت است: (فَإِذَا غَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صدَّقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ) (محمد: ۲۱) همچنانکه پیداست در عبارت «عسیتم» التفات از غائب به مخاطب وجود دارد، و هدف از آن تأکید بر توبیخ و ملامت کفار است، و این نکته بلاغی در راستای غرض اصلی سوره می‌باشد.

## ۵ - ۳ - براعت استهلال

در بلاغت قدیم عربی، براعت استهلال جزء آرایه‌های بدیعی است که با اصطلاح حسن ابتدا از آن یاد شده است.. بدین معنا که در مطلع قصیده یا اوّل کلام با آرایه‌ای زیبا، نکته‌ای نغز یا بدیع به موضوع قصیده یا خطبه به طور غیر مستقیم اشاره می‌شده تا انگیزه گوش‌سپردن به گوینده مضاعف شود (طبانه، بی‌تا: ۸۵). در آیه (الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) (محمد: ۱) آغاز سوره با اسم موصول «الذین» از منظر بیانی قابل توجه است؛ زیرا موصول رابط مهمی است که باعث افزایش انسجام متن می‌شود. قرآن می‌خواهد این نکته را متذکر شود که، کسانی که درباره آنان بحث می‌شود هیچ صفتی غیر از «کفر» ندارند تا جایی که کفر علامت متمایز کننده آنان است، و این نحوه بیان در سیاق این آیه قرآنی برای این است که شنونده را برای شنیدن آنچه بعد از موصول آمده است، مشتاق نماید. یعنی با یک شروع خوب و جذاب، مخاطب با گوینده همراه شده و به شنیدن ادامه سخن تشویق می‌شود. گویی همه صفات بعد از موصول برای توضیح ابهام در «الذین» آمده است.

#### ۵-۴- أم منقطعه

در آیه (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالًا) (محمد: ۲۴) اصولاً ترکیب «همزه» و حرف «أم» باید برای طلب تعیین باشد، و این امر اقتضای وجود دو طرف ضدّ هم را می‌کند: «القلوب المتفتحة والقلوب ذات الأقفال». اما طرف اول به خاطر اختصار حذف شده، و لذا علمای نحو «أم» را در این آیه منقطعه و به معنای «بل» گرفته‌اند که مشتمل بر معنای تأکید نیز می‌باشد (عضیمه، ج ۱: ۳۹۷). نکره آوردن واژه «قلوب» نیز دلالت بر تحقیر و تعمیم آن بر همه کافران می‌کند.

#### ۵-۵- استعاره

کثرت استعارات در سوره محمد (ص) به یک ویژگی سبک‌ساز تبدیل شده است. بیش از ده استعاره در این سوره به کار رفته است. استعاره تصریحیه در جمله (فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ) یکی از آنهاست، که نفاق و دروغ در دل‌های کافران به مرض تشبیه شده است که صاحبش را به سمت هلاکت سوق می‌دهد. استعاره تصریحیه در آیه (فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْتَلُوا أَرْحَامَكُمْ) (محمد: ۲۲) از دیگر استعارات سوره است که صله خویشاوندان به رحم زنی تشبیه شده است که کودک خود را در آغوش گرفته و از او مراقبت می‌کند. در جمله (أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ) استعاره مکنیه وجود دارد؛ به این صورت که اعمال کافران به شتر گم‌گشته در مرتعی تشبیه شده است که صاحبی ندارد تا مراقب آب و علوفه‌اش باشد. گویی هر آنچه انسان در زندگی دنیوی انجام می‌دهد با کفر از بین می‌رود. استعاره مکنیه در آیه (حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا) (محمد: ۴) از زیباترین استعاره‌های مکنیه در سوره است؛ زیرا رها کردن و گذاشتن چیزی از ویژگی‌های انسان است، لذا ترک جنگ و پایان آن را به انسانی تشبیه نموده است که سلاحش را بر زمین می‌گذارد، تا جنگ آرام شده، و امنیت فراگیر شود (ر.ک: الجبوری، ۲۰۱۲م: ۳۴۷).

## نتیجه

جستار حاضر، ویژگی‌های سبکی سوره محمد (ص) را در چهار سطح زبانی (آوایی، صرفی، نحوی، و زبانی) و نیز سطح ادبی مورد مذاقه قرار داده و به نتایج زیر دست یافت:

- از بررسی نظام آوایی سوره محمد (ص) این نکته به دست آمد که در این سوره، از نظر آوایی دو وجه وجود دارد. آنجا که روی سخن با کفّار و جهاد با آنان است، لحن کوبنده غالب است و این امر در نوع آواها و صفات آن‌ها قابل رصد می‌باشد. اما جایی که خداوند با مؤمنان سخن می‌گوید، زبان نرم و ملایمی به کار رفته است. همچنین مختوم شدن غالب فواصل به حرف «میم» در این سوره یکی از ویژگی‌های سبکی است که نقش مهمی در استمرار ضرباهنگ سوره ایفا نموده است. همچنین وجود مقطع بلند باز در ۸۶ درصد از فاصله‌های آیات نیز دیگر ویژگی سبکی سوره است که تلفظ آن نسبت به مقطع‌های دیگر از طول زمانی بیشتری برخوردار است، و این مسأله به خلق ضرباهنگی که دایر بر شدت، حدت، خشونت، تشویق به جهاد، و تصویر جنگ مؤمنان و کفّار است، کمک نموده است. وجود حرف مدّ الف در جمع‌های مکسر، و تضعیف عین‌الفعل در غالب فعل‌های سوره همسو با مضمون سوره می‌باشد. مدّ باعث کشش واژگان شده است، و تضعیف عین‌الفعل نیز بر دایره معنوی افعال افزوده است. به خاطر همسویی با سیاق کلی سوره و تأثیرگذاری واژگان، برخی ساخت‌های نحوی از استعمال رایج خارج شده، و لهجی خاصی غالب گشته است که این مقوله در فعل «عسیتیم» نمود یافته است. در سطح ادبی نیز کاربرد برخی از آرایه‌های ادبی همچون التفات، براعت استهلال، و مقابله در راستای تأثیرگذاری آیات بر مخاطب بوده است

## منابع

۱. آزادی، پرویز؛ نیکخواه، سهیلا (۱۳۹۷) سبک‌شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی، دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال هفتم، شماره اول، صص ۸۶-۶۵.
۲. ابن اثیر، ضیاء‌الدین (۱۹۹۹) المثل السائر فی أدب الکاتب والشاعر، بیروت، نشر العصرية.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (لاتا)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۴. أنیس، ابراهیم، (۲۰۱۳) الأصوات اللغویة، مكتبة الأنجلو المصرية، مصر.
۵. أنیس، ابراهیم، (بی‌تا) فی اللهجات العربیة، ط ۳، مكتبة أنجلو المصریة، القاهرة.
۶. البهناوی، حسام، (۲۰۰۵) الدراسات الصوتیة عند العلماء العرب والدرس الصوتی الحدیث، زهراء الشرق.
۷. الجبوری، أحمد حمد محسن (۲۰۱۲) موسوعة أسالیب المجاز فی القرآن: دراسة ووصف وتقویم و أمثلة، دار الکتب العلمیة، العراق.
۸. جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸) دلائل الإعجاز فی القرآن الکریم، ترجمه و حاشیه‌نویسی سید محمد رادمنش، مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۹) قرآن پژوهی، چاپ ۴، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. داوود، سلیمان أمانی (۱۴۲۳) الأسلوبیة والصوفیة، اردن، وزارة الثقافة.
۱۱. دیانتی، محمد (۱۳۷۵) پیش‌درآمدی بر سبک‌شناسی قرآن، نشریه علوم و معارف قرآنی، شماره ۲.
۱۲. الرفعی، مصطفی‌الصادق (۱۹۹۷) إعجاز القرآن والبلاغ النبویة، قاهره، دار المنار.
۱۳. ربابعة، موسی (۲۰۰۲) الأسلوبیة: مفاهیمها وتجلياتها، دار الکندی، إربد.
۱۴. الزمخشري، جارالله، الکشاف فی حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، ۱۳۹۲هـ.
۱۵. الزویعی، طالب محمد إسماعیل (۱۹۹۶) من أسالیب التعبير القرآنی: دراسة لغویة وأسلوبیة فی ضوء النصّ القرآنی، دار النهضة العربیة للطباعة والنشر، ط ۱، بیروت.
۱۶. سید سلیمان، العبد محمد (۱۹۸۹) من صور الإعجاز الصوتی فی القرآن الکریم، المجلة العربیة للعلوم الإنسانیة، مج ۹، العدد ۳۶.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا) معترك الأقرن فی إعجاز القرآن، دار الفكر العربی.
۱۸. شاهین، عبدالصبور (۱۹۸۰) المنهج لاصوتی للبنیة العربیة رؤیة جدیدة فی الصرف العربی، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۹. شمیسا، سیروس (۱۳۹۵) کلیات سبک‌شناسی، نشر میترا، تهران.

- ۲۰- الصغیر، محمد فتح‌الله (۲۰۰۸) الخصائص النطقیة والفیزیائیة للصوامت الرنینیة، ط ۱، عالم الکتب الحدیث، الأردن.
- ۲۱- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸ش) تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، قم.
- ۲۲- طبائنة، بدوی (بی‌تا) معجم البلاغة العربية، ط ۲، المجلد الأول، الرياض، دار العلوم للطباعة والنشر.
- ۲۳- العبد، محمد السید سلیمان (۱۹۸۹) من صور الإعجاز الصوتی فی القرآن الکریم، المجلدة العربية للعلوم الإنسانیة، العدد ۳۶.
- ۲۴- عبدالرحمن، مروان محمد سعید (۱۴۲۷) دراسة أسلوبية فی سورة الكهف، جامعة نجاح الوطنية، نابلس.
- ۲۵- عبدالعالی، حافظ کوزی (۲۰۱۰) دلالة الجرس والإيقاع فی المفردة القرآنیة، مجلة كلية الفقه، جامعة الكوفة، العدد ۱۱.
- ۲۶- عبدالقادر الفاخري، صالح سليم (بی‌تا) الدلالة الصوتیة فی اللغة العربیة، المكتب العربی الحدیث، الإسكندریة.
- ۲۷- عثمان، عبدالقادر (۱۴۰۲) دراسات فی المعانی والبدیع، مكتبة الشباب، القاهرة.
- ۲۸- عظیمه، محمد عبدالخالق، (بی‌تا) دراسات لأسلوب القرآن الکریم، تحقیق: الشیخ محمود شاکر، دار الحدیث، القاهرة.
- ۲۹- علوش، رجب؛ مصلوح، سعد؛ الخطیب، عبداللطیف (۲۰۱۵) التفصیل فی إعراب آیات التنزیل، مكتبة الخطیب للنشر والتوزیع، ط ۱، الكويت.
- ۳۰- عوض، إبراهیم (۱۹۹۳) سورة طه دراسة لغویة أسلوبية مقارنة، الطائف.
- ۳۱- غضنفری، علی، (۱۳۸۵) تجوید، تهران، نیلوفرانه.
- ۳۲- فلاح، ابراهیم؛ شفیع‌پور، سجاد (۱۳۹۴) کاربردشناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن (تحلیل موردی سوره مرسلات)، دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان، سال ۲، شماره اول، صص ۴۱-۶۳.
- ۳۳- فتوحی، محمود (۱۳۹۰) سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، نشر سخن، تهران.
- ۳۴- الفیروزآبادی (بی‌تا) بصائر ذوی التمییز، تحقیق: محمد علی النجار، المكتبة المركزية، بیروت.
- ۳۵- قطب، سید (۱۹۸۱) تفسیر فی ظلال القرآن، القاهرة، دار الشروق.
- ۳۶- قیسی، مکی بن ابی‌طالب (۱۳۹۳هـ) الرعاية لتجوید القراءة وتحقیق لفظ التلاوة، تحقیق: احمد حسن فرحات، دار عمار، اردن.
- ۳۷- المبارک، محمد (۱۹۶۸) فقه اللغة وخصائص العربیة، ط ۳، دار الفكر، بیروت.



- ۳۸- محمود خلیل، ابراهیم (۲۰۱۰) النقد الأدبی من المحاکاة والتقلید، عمان: دار المسیرة للنشر والتوزیع والطباعة.
- ۳۹- المسدی، عبدالسلام (۱۹۷۷) محاولات فی الأسلوبیة الهیکلیة، مجلة الموقف الأدبی، اتحاد الکتاب العرب، دمشق، سوريا.
- ۴۰- مطر، عبدالعزیز، (۱۹۹۸م) علم اللغة وفقه اللغة، دار قطری بن الفجاءة.
- ۴۱- هنداوی، عبدالحمید (۲۰۰۳) الإعجاز الصوتی فی القرآن الکریم، الدار الثقافیة للنشر، دار النصر للطباعة الإسلامیة، القاهرة.
- ۴۲- یارمحمدی، لطف‌الله، (۱۳۶۴ش) درآمدی بر آواشناسی، نشر دانشگاهی، تهران.



# **Linguistic Stylistics of Surah Muhammad (SAW) Based on Analyzing Linguistic Levels<sup>1</sup>**

**Jamal Talebi<sup>2</sup>**

Stylistics has an undeniable place in discovering the linguistic properties of literary works. The Qur'an, as the everlasting miracle of the Prophet Muhammad (SAW) and a comprehensive book, is full of linguistic and stylistic features. This descriptive-analytical study has analyzed the linguistic features of Surah Muhammad (SAW) in four phonetic, morphological, syntactic, and lexical levels and has additionally identified its literary aspects. The most important finding of the present research is that there is a coherence between the content of the ayahs of Surah Muhammad (SAW) and the sounds used in its words. Wherever God addresses the infidels and the embarking on jihad with them, the tone is striking, and this can be seen in the type of sounds and their attributes. But where God speaks to the believers, soft and gentle language is used. The closing of most of the intervals with the letter "m" in this surah is one of the stylistic features that has played an important role in the continuation of the rhythm of the surah. Furthermore, the presence of a long open section in 86% of the intervals of the ayahs, the pronunciation of which is longer than other sections, is another feature of the style of this surah that has contributed to the creation of a rhythm, which is based on intensity, severity, violence, encouragement of war, and portraying an image of war between the believers and the infidels. This agreement has even been manifest at syntactic and lexical levels and for being in line with the overall context of the surah and the impact of words, some syntactic structures have found an unpopular usage and a special accent has become predominant as embodied in the verb "asaitom".

**Keywords:** the Holy Qur'an, stylistics, linguistics, Surah Muhammad (SAW)

- 
1. Date Received: March 27, 2020; Date Accepted: September 7, 2020
  2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, Tehran; Email: jamal\_talebi@yahoo.com